

### در حالات و مقامات معنوی و تبلیغی استاد سید اکبر پرورش

### عارف مجاهد

### در عرصه جامعه و مبارزه

- محمد رضا کاتبینی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطرات مرتضی نجفی قدسی از شاگردان اکبر پرورش است که پس از درج در برخی مطبوعات، به هیئت کتاب درآمد

و به چاپ‌های متعدد نیز رسید. مؤلف در دیباچه

خویش بر این اثر، تلاش کرده است تا به تریسم

سیمای معنوی، تبلیغی و سیاسی آن عارف مجاهد

بپردازد و ابعاد آن را نشان دهد. وی در بخشی از این مقدمه می‌نویسد:

«به حق باید گفت که ایشان یکی از استوانه‌های انقلاب اسلامی بود و به خصوص در منطقه اصفهان که زادگاه ایشان بود یکی از سه رکن اصلی انقلاب پس از مرحوم آیت‌الله سیدحسین خادمی و آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری محسوب می‌شد. شرح مبارزات و سخنرانی‌های انقلابی و کوبنده و روشنگرانه ایشان در طول انقلاب اسلامی، مایه دلگرمی تمام انقلابیون اصفهان بود و بسیاری از شهدای گرانقدر انقلاب از شاگردان و دست‌پروردگان فکری ایشان بودند. ولی همه اینها بیانگر عظمت وجودی ایشان نیست و برای ما که از دوران کودکی ایشان را در یافته و تا آخر در بسیاری از سفرها و حضرها، خلوت‌ها و جلوت‌ها ایشان را از نزدیک دیده‌ایم، آنچه که برایمان بیشتر از همه جلوه‌گری می‌کند عظمت معنوی ایشان است که به حق و انصاف، انسانی عارف و عاشق پروردگار و مخب اهل‌بیت(ع) بود. او برای ما می‌گفت: انسان خوب است معروف باشد، نه مشهور! و اضافه می‌کرد که معروف برای اهل آسمان شناخته شده است و مشهور برای اهل زمین. اهل معرفت را آسمانی‌ها می‌شناسند. از این‌رو از شهرت گریزان بود،



◀ **زنده یاد استاد سیداکبر پرورش** در حاشیه حضور در یکی از اجلاس

ولی به عرفان و معرفت بسیار مشتاق. ابعاد معنوی و عرفانی استاد پرورش، حقیقتاً بسیار فراتر از ابعاد انقلابی، مبارزاتی و مسئولیت‌های سیاسی ایشان است. اگر چه ایشان در تمام این زمینه‌ها، یک‌الگوی بسیار خوب از انسان مسئول و مبارز انقلابی بود ولی هنگامی که به تعیین مسائل و نکات دقیق عرفانی می‌پرداخت از آیات و روایات برداشت‌های عرفانی ارائه می‌کرد و با ادبیات کهن ایران که مشحون از عرفان و اخلاق است، آنها را در می‌آمیخت، بسیار زیباتر و عاشقانه و دلنشین‌تر می‌شد، مخصوصاً هنگامی که در بیان معارف الهی، اشکش سرازیر می‌شد تا عمق وجود در دل شاگردان نفوذ پیدا می‌کرد. به هر حال تسلط استاد پرورش بر ادبیات، شعر و سخن، توان ایشان را در سخنوری قدرتی چند برابر داده بود، به طوری که گاهی برخی سخنرانی‌ها، تا سه ساعت هم به طول می‌انجامید، ولی دل‌های مشتاق و جوانان جویای عرفان و معرفت با تشنه‌کامی همچنان به بیانات ایشان گوش فرا می‌دادند و بسر و سر از نمی‌شناختند. ایشان در جوانی، سخنوری بسیار توانمند بودند به طوری که از ایشان برای مجالس بسیار مهم دعوت می‌شد. نمونه آن سخنرانی‌های ایشان در مسجد قباب تهران به دعوت شهید آیت‌الله دکتر مفتح و با حضور بزرگانی چون شهید آیت‌الله مطهری، شهید آیت‌الله تاجیک بهشتی و بسیاری دیگر از شخصیت‌ها علمی و فکری آن دوران بود. اهل تجدد بودن، یکی از ویژگی‌های اصلی ایشان بود و در طریق عرفانی، به شب‌زنده‌داری و انس با سحر، تفکر و عبادت سحرگاهی تأکید فراوان داشت، چنان که در آیات و روایات نیز بر این مهم بسیار تأکید شده و در اشعار و خاط و دیگران نیز بر سحرخیزی و دعا و وردسحری اشارات مکرر شده است. یکی دیگر از ابعاد وجودی استاد پرورش، اخلاص ایشان بود که این مهم در اثر سال‌ها تمرین و مبارزه با نفس به وجود آمده بود. اخلاص ایشان به حدی بود که بسیاری از بزرگان را نیز مجذوب خود می‌کرد.».

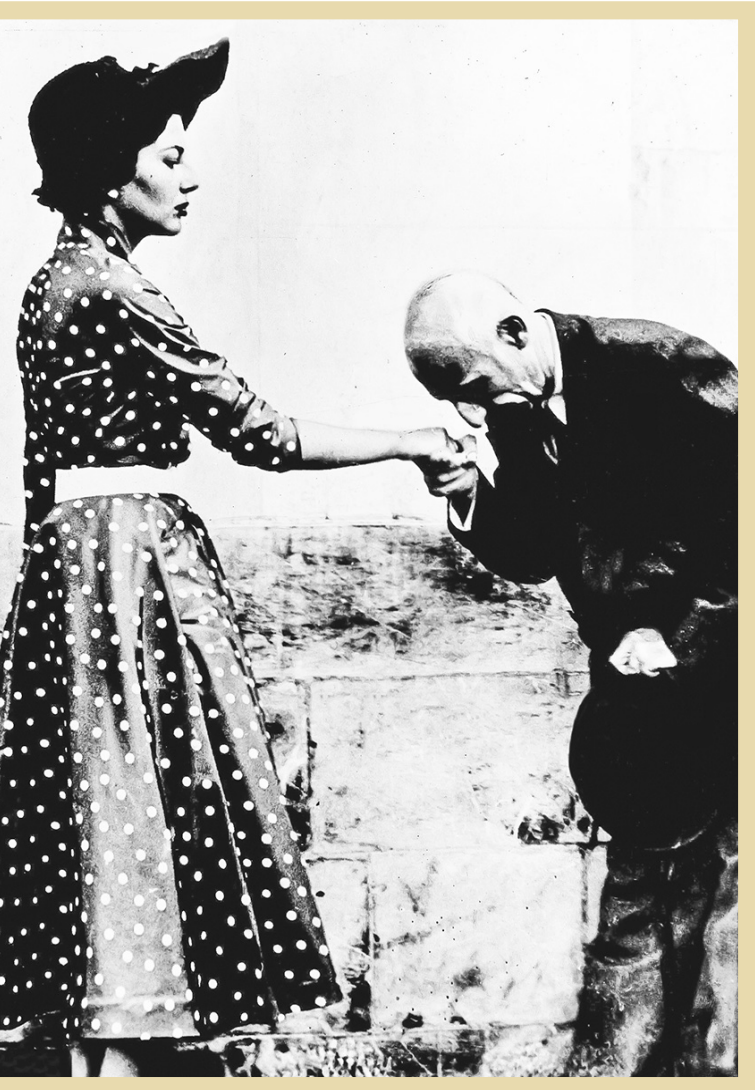
#### دکتر مجتبی سلطانی

**نوشته‌ار بی‌امده، برشی است از یک پژوهش بلند و منتشر نشده در باب آغاز و انجام نهضت ملی که توسط دکتر مجتبی سلطانی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران و نویسنده کتاب «خط‌سازش» صورت گرفته است. صفحه تاریخ یا کسب اجازه از نویسنده محترم، آن را به علاقمندان تقدیم می‌کند. امید آینهٔ مقبول آید.**

- ▲
- ▲
- ▲
- ▲

#### مصدق، فروکاستن منازعه تاریخی ایران و انگلستان و اراده برای ترک صدارت

در دوران صدارت دکتر محمد مصدق، سیاست وی نسبت به دولت انگلستان، گاه سسؤالات مهمی را برمی‌انگیخت. در حالی که استعمار انگلیس آماج خشم و نفرت مردم ایران شده بود وی مبارزات مردم را تا حد اختلافات قابل حل بین دولتین ایران و انگلیس تقلیل می‌داد<sup>(۱)</sup> و بعد از اتمام عملیات اجرایی ملی شدن نفت بر خلاف انتظار افکار عمومی عناصر انگولفیل از سوی او در رأس شرکت ملی نفت قرار گرفتند.<sup>(۲)</sup> بعد از فروکش کردن احساسات ضد استعماری مردم و محدود ساختن سطح خواسته‌های سیاسی جامعه به‌ملی شدن صوری نفت برخی پژوهشگران برآنند که مصدق خود به مرور زمینه‌های کنار کشیدن خویش را از صحنه سیاست مهیا ساخت. این زمینه‌سازی را انجامی گرفت و سپس تقاضای اختیارات خلاف قانون اساسی از مجلس آغاز شد. در همان هنگام مصدق از شاه تعیین می‌شد- کردو به دنبال عدم موافقت شاه استعفاداد. تشکیل شمارزی از تحلیلگران روشن بود که تقاضاهای مصدق هم از مجلس و هم از شاه با علم به غیر ممکن بودن آنها نوبی فرصت‌سازی برای ترک آبرومندانه صحنه بود اما با قیام ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ رهبری آیت‌الله کاشانی، مصدق ناچار شد دوباره به صحنه بازگردد. بعد از ۳۰ تیر مخالفت وی با مذهبیین و نفوذ آنها شدت گرفت، او که فداییان اسلام را دستگیر کرده و به زندان انداخته بود، آیت‌الله کاشانی را با تبلیغات و جوسازی‌های بسیار در نزد مردم بی اعتبار ساخت و او را در عرصه سیاست کم‌تأثیر کرد. گفتنی است مماشات آشکار دکتر مصدق با عاملان کشتار ۳۰ تیر و تلاش برای نجات قوام‌السلطنه، از مسائلی است که در نقد عملکرد مصدق بعد از ۲۰ تیر مطرح شده است. او نه تنها به مجازات جنایتکاران ۳۰ تیر نیز داخت بلکه بعضی از آنان را نیز به مقاماتی منصوب کرد.<sup>(۳)</sup> مصدق به مدد اختیارات قانون‌گذاری که از مجلس گرفته بود قانون تندروانه امنیت اجتماعی را- که بعدها جزو مستندات تشکیل ساواک نیز شد- تصویب کرد تا بتواند به سهولت، مخالفان دولت را تحت پیگرد، محدودیت و بازداشت قرار دهد. او که مجلس را منحل کرد و حکومت نظامی را برپا ساخت، خواسته یا ناخواسته بسترساز سرخوردگی و یأس مردم از دولت ملی و راضی شدن به تسلط و اقتدار شاهنشاهی شد. در خردادماه سال ۱۳۳۲، دولت دکتر مصدق با صدور بخشنامه‌ای اعلام کرد که اگر کارمندان دولت در مجامع و جلسات سیاسی مخالف دولت شرکت کنند، شدیدا تعقیب و مجازات خواهند شد.<sup>(۴)</sup> چنین دستورالعمل بی‌سابقه و مشارکت‌ستیزی چهره‌دولت ملی را نزد مردم مشوه می‌ساخت و شائبه گرایش به دیکتاتوری و اثبات دیدگاه مخالفان را فراهم می‌آورد.



۱۳۳۰، دکتر محمد مصدق در حال دستنویس تراستانداری بخشاری



**مخالفان دکتر مصدق معتقدند، چون او از سقوط دولت توسط مجلس مملثن بود، مجلس هفدهم را منحل کرد و راه تغییر دموکراتیک دولت را مسدود ساخت و با کودتا هم مخالفت نکرد تا وی و دوستانش در اثر سرنگونی با کودتای خارجی وجیه‌المله شوند، اما موافقان و ششیفتگان دکتر مصدق یا پاسخی برای انفعال وی در قبال کودتا ندارند، یا آنکه به توجیهات ضعیفی مانند اجتناب از خون و خونریزی و جنگ داخلی متوسل می‌شوند**

**محمد مصدق و بسترسازی برای رویداد ۲۸ مرداد، در آینه روایت‌ها و تحلیل‌ها**

## موافقان مصدق

## پاسخی برای انفعال در کودتا ندارند

**مصدق و بسترسازی قانونی برای توفیق کودتا**
با بالا گرفتن اختلاف درونی جبهه ملی، عملکرد غیر دموکراتیک دکتر مصدق، زمینه‌سازی‌های حزب توده و اخراج نیروهای مذهبی از صحنه سیاست، شرایط لازم برای موفقیت یک کودتای سریع، کم‌خرج و بدون برخورد با مقاومت مردمی فراهم می‌شد. طبق عرف سیاسی و قانونی کشور که مصدق به آنها اعتقاد و التزام داشت، شاه می‌توانست در غیاب مجلس نخست‌وزیر را برکنار سازد، اما به علت آشفتگی اوضاع سیاسی و گسترش تجری مردم نسبت به دربار و سلطنت، تغییر دولت از مجرای عادی و طبیعی پیامد‌های زیادی داشت که دستیابی به ثبات برای دولت آینده بسیار دشوار می‌ساخت. از این‌رو برای حامیان امریکایی و انگلیسی شاه، شیوه کودتا ضرورت یافت، اما در حقیقت کودتای ۲۸ مرداد علیه دکتر مصدق و مشی سیاسی او نبود، بلکه کودتایی بود علیه مردم و بالا رفتن سطح مطالبات و آرمان‌های سیاسی جامعه و بسترهای تقویت گرایش‌های انقلابی.



دکتر مجتبی سلطانی

## «

**مصدق به مدد اختیارات قانون گذاری که از مجلس گرفته بود قانون تندروانه امنیت اجتماعی را – که بعدها جزو مستندات تشکیل ساواک نیز شد – تصویب کرد تا بتواند به سهولت مخالفان دولت را تحت پیگرد، محدودیت و بازداشت قرار دهد، او که مجلس را منحل کرد و حکومت نظامی را برپا ساخت، خواسته یا ناخواسته بسترساز سرخوردگی و یأس مردم از دولت ملی و راضی شدن به تسلط و اقتدار شاهنشاهی شد. در خردادماه سال ۱۳۳۲، دولت دکتر مصدق با صدور بخشنامه‌ای اعلام کرد که اگر کارمندان دولت در مجامع و جلسات سیاسی مخالف دولت شرکت کنند، شدیدا تعقیب و مجازات خواهند شد.<sup>(۴)</sup> چنین دستورالعمل بی‌سابقه و مشارکت‌ستیزی چهره‌دولت ملی را نزد مردم مشوه می‌ساخت و شائبه گرایش به دیکتاتوری و اثبات دیدگاه مخالفان را فراهم می‌آورد.**

دل نکرد و آنچه را که می‌اندیشید با احدی نگفت و تمام بار مسئولیت را خود بر دوش گرفت.<sup>(۵)</sup>

گازبوروسکی در مصاحبه‌ای عدم اقدام مصدق در مقابله با کودتا را به‌رغم آنکه می‌توانست از آن جلوگیری کند، چنین توضیح می‌دهد: «او (مصدق) می‌توانست از انجام کودتا جلوگیری کند و حتی اقداماتی برای خشتی‌سازی آن صورت دهد. ابتدا لازم بود قیمت نفت را تثبیت کند. به نظر من مصدق تلاش کافی می‌ذول نداشت. اگر قیمت‌ها تثبیت می‌شد، دولت وی سرنگون نمی‌شد. به نظرم مصدق و مردانی نظیر وی، در خیلی جاها به‌خصوص در خاورمیانه نمی‌توانستند برای مدتی طولانی در سرپر قدرت باشند زیرا بسیار تک‌رو و خودمحور هستند. ما می‌بینیم که در زمان وقوع کودتا نیز مقاومتی صورت نمی‌گیرد. مصدق و یارش در مقابله با کودتا اقدام جدی و در خوری انجام ندادند. در جریان کودتا صرفاً پنج‌مأمور سیاست‌مشارکت داشتند که سن هیچ‌یک از آنان بیش از ۴۰ سال نبود. آنان به‌جای سلاح و تجهیزات مقاری پول وارد ایران کردند. در باورم سرنگونی مصدق از آن‌رو با مشکل جدی مواجه نشد که خود او مقاومت چندانی نکرد. نمی‌توان منکر اقدامات امریکایی‌ها و عوامل سیاهد اما دولت ملی هم در برابر کودتا مقاومت چندانی نکرد. آنان موفق نشدند در برابر چند مأمور امریکایی مقاری دلار و شبکه‌های داخلی چون برادران رشیدیان و هرج و مرج طلبان توده‌ای، کار در خور و شایسته‌ای صورت دهند.»<sup>(۶)</sup>

مهندس احمد زیر کزاده از رهبران حزب ایران و مؤسسان جبهه ملی ضمن پایبندی کامل به‌معتقدات حزبی و رهبری مصدق، در تلاش برای تحلیل چرایی کودتای ۲۸ مرداد مطالب اغلب ملی‌گرایان را تکرار می‌کند اما به واقعیتی نیز اذعان دارد. وی یکی از چند علت پیروزی کودتا را بی‌خبری مردم و جلوگیری مصدق از آگاه ساختن مردم می‌داند: «مردم ایران تا صبح روز ۲۸ مرداد با مصدق بودند اما از آنچه که در آن روز می‌گذشت بی‌خبر مانده، نتوانستند به یاریش بشتابند و وقتی آگاه شدند که کار از کار گذشته بود.»<sup>(۷)</sup> زیر کزاده که از ساعات اولیه روز ۲۸ مرداد در خانه مصدق بود درباره وقایع آن روز و عدم واکنش دکتر مصدق می‌گوید: «در روز ۲۸ مرداد اگر خود او (مصدق) مردم را تحریک نمی‌کرد، نمی‌بایستی مانع از حرکت آنها شود ولی در آن روز واضح بود که دکتر مصدق مردم را در صحنه نمی‌خواهد. از همان

ساعات اول که خبر آشوب به نخست‌وزیری رسید تمام آنهایی که آن روز در خانه نخب‌تریز او بودند با‌رها و بارها تک‌تک یا دسته‌جمعی از او خواهش کردند تا اجازه دهد مردم را به کمک بطلبیم. امصدق ا موافقت نکرد و حتی حاضر نشد اجازه دهد را دریو مردم را باخبر سازیم. من هنوز قیافه خشمناک دکتر فاطمی را در خاطر دارم که پس از آنکه اصرارش برای با خبر کردن مردم به جایی نرسیده بود از اتاق دکتر مصدق خارج شده فریاد زد: این بمرزدا آخر همه ما را به کشتن می‌دهد. مصدق با تقاضای او برای باخبر ساختن مردم مخالفت کرده بود… در فرض که دکتر مصدق نمی‌خواست مردم را به کمک به طلبند یا به طغیان اقیام مردم ا کمک کند، قاعدتاً نمی‌بایستی علت نخب‌تریزت آن را از مشکوک بودن آن دکتر می‌دانستی نصرت‌الله خزانی رئیس دفتر دکتر مصدق، دربراره رابطه شاه و مصدق واکنش وی به فرمان ایلاهی عزل، نکات جدیدی را به عنوان شاهد عینی و درجه اول این بیان می‌کند: «حقیقت این بود که این رابطه بنا نبود. شاه هیچ‌وقت نمی‌خواست در مقابل دکتر مصدق بایستد علت اینکه در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ شاه را از ایران خارج کردند، فقط برای این بود که نتواند با دکتر مصدق تماس بگیرد، تا مبادا تحت تأثیر او قرار گیرد. روز ۲۵ مرداد که کودتا به نتیجه نرسید، صبح زود دکتر مصدق به من فرمودند: ببینید اعلیحضرت کجا تشریف دارند. من گفتم: آخرین اطلاع این است که در کلاردشت هستند. قرار شد با کلاردشت تماس بگیرم. خبر دادند اعلیحضرت به ارسر تشریف برند. در ارسر تماس گرفتم، گفتند: اعلیحضرت هواپیمار ا عوض کردند نمی‌دانیم کجا رفتند که بعداً رویتر خبرداد که ایشان به بغداد رفتند. این را باید بگیریم که وقتی به شاه فشار می‌آورند که شما با مصدق همکاری نکنید یا مخالفت کنید، بر ضد او اقدام کنید شاه زبر بار نمی‌رفت و می‌گفت: ملت پشتیبان دکتر مصدق است و من در مقابل این ملت نمی‌توانم مخالفت کنم. علت اینکه او را از ایران برند هم بود. برای اینکه اگر یادکنم، تصریح می‌کنم که دکتر مصدق پیش از آنکه شاه رودر بایستی داشت و مکاتباتی هم که میان آنها شده، همیشه محرمانه خود من و خودم شاهد بودم.»<sup>(۸)</sup>

#### بی‌عملی مصدق در ۲۸ مرداد، مغتولات و آزایی‌ها

به قول برخی پژوهندگان تاریخ نهضت نفت مانند گازبوروسکی، فخرالدین عظیمی، محمدعلی موحد: شاه تا آخرین لحظه اقدامی جدی در اجرای طرح کودتا علیه مصدق انجام نداد. حتی ملاقات خصوصی ژنرال شوارتسکف و کریمت روزولت با شاه نیز در جلب موافقت وی بی‌نتیجه ماند. به‌طوری که طبق سند سیادراره کودتا به قلم دونالد ویلبر: «سسؤلان کودتا تصمیم گرفتند تا کودتا را بدون موافقت شاه انجام دهند یا شاه را به‌طور غیر داوطلبانه با اقدام (کودتا) مرتبط کنند تا به همان نتیجه‌ای برسند که شاه گویا در عملیات مشارکت فعال داشته است.»<sup>(۹)</sup> محمدعلی موحد می‌نویسد: «شاه حتی در آن ایام که تیرگی روابط او و مصدق به بالاترین درجه رسیده بود باوری کار آو‌رین زاهدی از راه کودتای نظامی مخالفت می‌نمود و حل مسئله نفت را به دست مصدق ترجیح می‌داد. شاه به هیچ‌وجه دل خوشی از دکتر مصدق نداشت و برای برکناری او دقیقه‌شماری می‌کرد. اما چنین می‌اندیشید که با اقدام به کودتا یک بار که رسم شد نج و تخت او همواره در معرض تهدید قرار خواهد گرفت.»<sup>(۱۰)</sup> به نوشته موحد، دکتر مصدق «در فاصله ۲۵-۲۸ مرداد با آن موج و احساسات که بالا گرفته بود و فشاری که باران نزدیکش بر او وارد می‌کردند شرط احتیاط را فرو نگذاشت و به تغییر رژیم تن در نداد، گویی مسیر حوادث را از پیش می‌دانست.»<sup>(۱۱)</sup> روز ۲۸ مرداد او حتی با نزدیک‌ترین یاران درد

مردم در دست خود مشاغل و مواضعی نداشتند و بازار که قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین قلعه مقاومت ملی است، نتوانست بیش از چهار – پنج روز اعتصاب و اعتراض را ادامه دهد. احتیاج به آب و نان و اسباب در دست دولت او را وادار به تسلیم کرد. به احتمال قریب به یقین اگر تحریکات مخالفین و کودتای ۲۸ مرداد هم پیش نمی‌آمد، رژیم نوجوان ملی ما ا دولت مصدق ا، دریا زود بر سر اختلافات و اغراض متصدیان و بیکارگی و پر توفعی مردم، خود به خود متلاشی می‌گردید.»<sup>(۱۲)</sup>

مخالفان دکتر مصدق معتقدند چون او از سقوط دولت توسط مجلس مطمئن بود، مجلس هفدهم را منحل کرد و راه تغییر دموکراتیک دولت را مسدود ساخت و با کودتا هم مخالفت نکرد و در برابر آن نایستاد، تا وی و دوستانش در اثر سرنگونی با کودتای خارجی وجیه‌المله شوند. اما موافقان و شیفتگان دکتر مصدق، یا پاسخی برای انفعال وی در قبال کودتا ندارند یا آنکه به توجیهات ضعیفی مانند اجتناب از خون و خونریزی و جنگ داخلی متوسل می‌شوند.

**سیاسی‌های از عملکرد مصدق که کودتا را سهولت بخشید**

بدین ترتیب می‌توان فهرستی از عملکرد نامناسب و بسترساز کودتا توسط دکتر مصدق در قبال کودتاجیان را به این شرح ارائه داد:

– انتصاب عوامل مشکوک به مشارکت در کودتا در پست‌های حساس نظامی و نفتی و حکومتی که با کودتاگران همکاری داشتند

– عدم مجازات عاملان جنایات ۳۰ تیر و کودتای ۲۵ مرداد که موجب ایجاد فضای امن برای کودتاجیان شد

– عدم بسیج عمومی و عدم استفاده از سازمان افسران ناسیونالیست و سازمان افسری حزب توده در مقابله با کودتا.

– عدم واکنش حقوقی، قانونی، سیاسی و تبلیغی و رسانه‌ای مناسب در مقابل صدور حکم عزل خود و انتصاب زاهدی و حتی صدور اعلامیه انحلال مجلس در روز ۲۵ مرداد، در حالی که ۲۴ مرداد فرمان عزل را از سرنگ نصیری گرفته بود.

– انفعال و عدم تحرک حزب ایران و نیروی سوم و پان‌ایرانیست‌ها و فرانسیون نهضت ملی و حزب توده در روز ۲۸ مرداد به‌رغم تحرک و حضور گسترده در سه روز قبل از آن.

– صدور اعلامیه منع تجمع و تظاهرات در بعد از ظهر ۲۷ مرداد و پس از ملاقات با سفیر امریکا که منجر به تعویق جلسه هیئت دولت شد در شرایطی که قرار بود هیئت دولت در همان روز، نسبت به تعیین تکلیف شورای سلطنت تصمیم‌گیری کند.

– سکوت و عدم عکس‌العمل در مقابل حملات گسترده و سازماندهی شده هواداران دولت به رجال سیاسی و نیرها و مطبوعات مخالف مصدق، در روزهای منتهی به کودتا. اشاره شد که هم موافقان و هم مخالفان دولت مصدق اصل ضعیف بودن کودتا را امکان و سهولت مقابله دولت مصدق با کودتا را قبول دارند، ولی در مورد انگیزه مصدق از «عدم مقاومت» در برابر کودتا، اختلاف نظر وجود دارد. هواداران ناسیونالیست و تریزهای مصدق در تاریخ‌نویسی پرتیزا و جریان غالب اگر از کنار موضوع عبور نکنند با تأکید بر مخالفت شاه و انگلیس با مصدق و همراهی امریکا می‌داند. اینان گاهی خطای محاسبه، گاه خطای ناشی از ویژگی‌های شخصی و گاه مصلحت‌اندیشی و جلودگری از بحران‌های بزرگ‌تر و نظایر آن را به عنوان علت واکنش‌های عدم مقاومت مصدق و حتی همراهی تلویحی با کودتا علیه دولت خودش ذکر می‌کنند. محمدعلی عمویی عضو سازمان افسران حزب توده در زمان کودتا تعجب از انفعال در برابر کودتا را این‌گونه توصیف می‌کند: «تعجب و حیرت همگان نه از بابت کودتا و کودتاگران بلکه از بی‌عملی و انفعال دولت ملی مصدق بود با آن همه هوادار و امکانات حکومتی و حزب و دولت ایران با آن تشکیلات منسجم و سازمان‌نظامی.»<sup>(۱۳)</sup>

مهندس عزت‌الله سبحانی درباره بی‌طرفی دانشجویان مسلمان در کودتا علیه دولت مصدق می‌گوید: «ما بچه‌های انجمن اسلامی دانشجویان ایران تگرانی را داشتیم که توده‌ای‌ها دارند می‌برند، یعنی کشور کمونیستی می‌شود. ما بزرگان حاکمیت کمونیست‌ها بودیم. بعد از ۲۵ مرداد و شکست کودتای اول، تصور ما این بود که کودتا تمام شده است و ایران دارد به سمت یک جریان کمونیستی می‌رود. این نگرانی موجب شده بود که در آن سه – چهار روز بی‌طرف بودیم.»<sup>(۱۴)</sup> دکتر ابراهیم یزدی با اشاره به فضای کشور در دوران کودتا، معتقد است که حتی ملی‌گراها نیز دربار شاه را بر حزب توده و کمونیست‌ها ترجیح می‌دادند: «گر در آن زمان از هر ملی‌گرایی می‌پرسیدند که بین دربار و کمونیسم (حزب توده) کدام گزینه را انتخاب می‌کنید؟ همگی بدون شک دربار را انتخاب می‌کردند.»<sup>(۱۵)</sup>

مهندس عزت‌الله سبحانی در تعبیر دیگری از این واقعیت که کودتای ۲۸ مرداد در واقع مشروعیت‌رایی و ابروفرینی برای مصدق و جبهه ملی بوده است این‌گونه سخن می‌گوید: «در سال ۱۳۳۴ و در زندان ا در آنجا خیلی بحث می‌شد. مسئله‌ای که برای ما مطرح بود، اینکه جنبش‌هایی که انجام می‌شود، پیش از آنکه حمله و هجوم یا قدرت دشمن یا طرف مقابلش (استبداد داخلی یا استعمار خارجی) با اتحاد این دو جریان) باعث شکست جنبش شود! اختلافات و تفرقه درونی خود آنها موجب شکست جنبش می‌شود. مهندس بازرگان که خیلی از ما بزرگ‌تر بود و در رهبری جبهه ملی و با خود دکتر مصدق مربوط بود، می‌گفت این کودتای ۲۸ مرداد به داد جبهه ملی رسید و باعث شد جبهه ملی با آبرو کنار برود. (۲۰) \***پاروقی‌ها در سرویس تاریخ موجودند**